

می‌شد، ریاست خبرگان قانون اساسی را بر عهده داشت و در تدوین قانون اساسی نقش مهمی ایفا کرد. در سال ۱۳۶۴ مجلس خبرگان رهبری ایشان را به عنوان قائم مقام معرفی کرد. اما دو عامل باعث بروز اختلاف میان آقای منتظری و حضرت امام<sup>ع</sup> و در نهایت منجر به عزل وی از قائم مقام رهبری شد.

نخستین عامل اختلاف سلیقه و مشی وی با جریان اصیل انقلابی بود که بدون ملاحظات سیاسی به انتقاد از عملکرد دستگاه‌های سیاسی نظام می‌پرداخت. دومین عامل، اطرافیان وی بودند. گفتمان حاکم بر سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ گفتمان سازندگی بود. در این میان دو طرز فکر در صحنه سیاسی کشور ظهور پیدا کرده بود که یکی را «راست» و دیگری را «چپ» می‌نامیدند. دولت هاشمی رفسنجانی در بُعد سیاست، دست به عملگرایی زد و تا حدودی سنت‌ها را پشت سر گذاشت. در نتیجه طیف جدیدی ظهور پیدا کرد که خود را کارگزاران سازندگی نامید. در این دوره هیچ گروه یا فرد خاصی از صحنه کنار زده نشد و همه در چارچوب‌های انقلاب و آرمان‌های امام و فادار باقی ماندند. از سال ۱۳۷۵ با پیروزی جناح جدیدی که در طیف «چپ سستی» ریشه داشت و خود را اصلاح‌طلب می‌نامید، گفتمان جدید اصلاحات سیاسی بر جامعه ایران حاکم شد. با پیروزی تفکر اصلاح‌طلبی جناح‌ها و گروه‌های متنوعی از داخل و خارج به این طیف پیوستند و چیزی به نام «جبهه دوم خرداد» را تشکیل دادند. در طی هشت سالی که قدرت در چنبره اصلاح‌طلبان بود، زد و خوردهای بسیاری در کشور پدید آمد و جنگ بین تفکر اصلاح‌طلبی در بُعد سیاسی و تفکر سستی جناح راست ادامه یافت. در این مدت بسیاری از چهره‌های اصلاح‌طلب به اتهام خیانت به اصول انقلاب و منافع نظام به زندان انداخته شدند و یا علناً مسیر عناد را در پیش گرفتند و به مخالفان نظام در خارج از کشور پیوستند. با پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴، گفتمان عدالت اجتماعی رسماً برگزیده شد و بر فضای سیاسی کشور حاکم گردید. اصولگرایان در مدت نزدیک به چهار سالی که بر اریکه قدرت بوده‌اند، کمابیش در جهت گفتمان عدالت‌خواهی خود حرکت کرده‌اند.

مزارش‌نم: نجفعلی غلامی

## ماهیت واقعی فدائیان اسلام؛ نوگرا یا سنت‌گرا؟

مهدی غنی

ضمیمه اعتماد، ش ۱۸۷۳، ۱۳۸۷/۱۱/۳

بازتاب اندیشه ۱۰۷

مزارش‌ها

هرگاه از ماجرای ملی شدن صنعت نفت سخنی به میان می‌آید، یکی از جریان‌هایی که مورد بحث قرار می‌گیرد، جریان فدائیان اسلام به رهبری شهید سیدمجتبی نواب صفوی<sup>ع</sup> است. آقای غنی در این پژوهش با تکیه بر اصلی‌ترین سند مکتوب جریان فدائیان اسلام یعنی کتاب

راهنمای حقایق و نیز عملکرد آنان، تلاش می‌کند به بازشناسی واقعی این جریان راهی بیابد. هسته اولیه فدائیان اسلام با موضع‌گیری در برابر تبلیغات احمد کسروی علیه تفکرات رایج شیعی بعد از شهریور ۱۳۲۰ شکل گرفت. (کسروی آثاری در نقد تشیع، تصوف و روحانیت نوشت و خود مدعی آیینی جدید به نام پاکدینی در کتابی به نام «ورجاوند شد»). در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، برخی گروه‌های سنت‌گرا و محافظه‌کار خود را پیرو فدائیان اسلام دانسته و با پشتیبانی از سنت‌گرایان و روحانیت به مقابله با روشن‌فکران و نوگرایان دینی پرداختند. این گروه‌ها بر این باور بودند که فدائیان اسلام نیز در زمان خود، یک جریان سنتی و مدافع روحانیت بوده و از این موضع در مقابل نوگرایان و نیروهای چپ و لیبرال ایستاده است. در نتیجه موقعیت امروزی خود را بازآفرینی نقش فدائیان اسلام در آن زمان دانسته و با این دیدگاه بر حقانیت خود پای می‌فشرده‌اند. روشن‌فکران و نوگرایان دینی نیز با گفتن امروز روشن‌فکری به تحلیل ماهیت فدائیان اسلام پرداخته و آنها را جریانی فنانیک و واپس‌گرا و راست سنتی می‌شمرده‌اند. در حالی که شواهدی تاریخی وجود دارد که این نگاه نسبت به فدائیان اسلام را به چالش می‌کشد. اغلب مخالفان و موافقان جریان فدائیان اسلام هر دو آنها را جریانی متعلق به جناح راست سنتی، قشری و مدافع روحانیت در مقابل روشن‌فکران و نوگرایان دینی می‌شمرده‌اند.

نویسنده برای تعریف جریان سنت‌گرا شاخصه‌های زیر را برشمرده: ۱. تقدیرگرایی و اعتقاد به سرنوشت محتوم و عدم امکان تغییر وضع موجود؛ ۲. گذشته‌گرایی و کوشش در بازسازی و رجوع به آن؛ ۳. تفکر ماقبل نیوتنی، بی‌توجهی به علم و دانش و تکنولوژی مدرن؛ ۴. حاکمیت، نفوذ و محوریت نخبگان سنتی و مذهبی که مشروعیت و تقدس دارند؛ ۵. ثبات طبقات و نیروهایی که صورت کاست دارند. به عبارتی عدم تحرک اجتماعی از خصوصیات این مناسبات است؛ ۶. مخالفت ابتدایی با هر ایده و پدیده تازه‌ای و سنت‌گرایی در مقابل نوگرایی.

شاخصه‌های سوسیالیسم: ۱. برتری سود جامعه بر فرد. ۲. اشتغال کامل، امنیت اجتماعی، توزیع عادلانه، بالا بردن سطح زندگی. آیت‌الله شهید بهشتی در باره تفکرات رایج آن زمان (حتی ۱۰ سال بعد) درباره روحانیت می‌گوید: «در مورد تقوا و عدالت بیشتر مردم کسانی را عادل و پرهیزکار می‌شناسند که تقریباً به هیچ کار دست نزنند. به همین جهت یک شرط اساسی روحانیت در نظر آنها اجتناب از شغل و حرفه و فعالیت‌های اجتماعی، به خصوص اقدامات سیاسی است». بنابراین اولین مرزبندی میان جریان فدائیان اسلام و جریان سنتی موجود در آن زمان می‌تواند همین مؤلفه باشد. برخی از عناوین مفاسد اجتماعی عبارتند از: ۱. فقدان ایمان و تربیت اسلامی؛ ۲. اجرا نشدن احکام اسلامی؛ ۳. نبودن فرهنگ؛ ۴. بی‌حجابی؛ ۵. مشروبات الکلی؛ ۶. مواد مخدر؛ ۷. قماربازی عامل فقر مادی و اخلاقی؛ ۸. فیلم و نمایش و اشعار و... شهوت‌انگیز؛ و....

نویسنده ریشه مفاسد مزبور را در عرصه سیاسی می‌داند. در آن زمان دخالت در سیاست از نظر بسیاری از متدینان امری دنیوی و ناپسند شمرده می‌شد. از این رو تمامی روشن‌فکران و مبارزان از دوره مشروطیت تا انقلاب اسلامی عمده تلاش‌شان این بود که روحانیون را از قالب مسائل فردی و فرعی به صحنه سیاسی و مسائل کلان جامعه بکشانند و به این وسیله مشارکت و حساسیت مردم را در مسائل سرنوشت‌ساز برانگیزانند. نواب صفوی از دهه ۲۰ همواره به روحانیون انتقاد می‌کند که چرا نسبت به مسائل سیاسی بی‌توجه‌اند. او حتی عملاً دست به تدوین برنامه برای اداره حکومت می‌زند و برای همه امور جامعه از دیدگاه خود طرح و برنامه می‌دهد؛ راهی که بعدها گروه‌های سیاسی مبارز دنبال می‌کنند. به خاطر همین کناره‌گیری از مسائل سیاسی - اجتماعی طی دوران‌های طولانی رویکرد فقه و حوزه‌های علمیه شیعی به تدریج، عمدتاً منحصر به مسائلی شد که صرفاً جنبه فردی داشت. مسائل اجتماعی و سیاسی از دایره فقه و اجتهاد بیرون ماند. در رویکرد سنتی، معاصی و مفاسد همه به فرد برمی‌گشت. دروس فقهی عمدتاً به مسائلی می‌پرداختند که به حوزه زندگی فردی مربوط می‌شد. سال‌ها بعد که نوگرایان دینی و روحانیون تحول‌خواه در پی آسیب‌شناسی روحانیت و جامعه اسلامی برآمدند، به این مهم اشاره کردند. نوگرایان دینی برای کشاندن مردم سنتی به صحنه سیاسی - اجتماعی کوشیدند روحانیون و فقه حوزه را با مسائل اجتماعی و سیاسی آشتی دهند. سوق دادن مردم از بی‌تفاوتی نسبت به عرصه عمومی، به سوی دخالت فعال در این عرصه، لازم و اولین قدم‌های رفتن به سوی جامعه دموکراتیک بود. جریان فدائیان اسلام از خاستگاه و پایگاه سنتی - مذهبی برخاسته بود، اما در روند حرکت خود به نقد سنت روی آورده و رفته رفته با افکار نو و ترقی خواهانه آشنا شده و از پایگاه سنتی خود فاصله گرفته است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که فدائیان اسلام برخلاف عقیده طرفداران سنتی‌اش، جریان ناقد سنت و در چالش جدی با آن بوده و به سمت جریان‌های نوگرا و ترقی‌خواه سوگیری داشته است.

مژده نوری؛ ابوالفضل حسینی

## مفهوم‌شناسی مافیای قدرت سیاسی

امیر وحیدیان

مهری، ش ۳۷۷۲، ۱۳۸۷/۱۱/۲۹

بازتاب اندیشه ۱۰۷

گزارش‌ها

مفهوم «مافیای قدرت و ثروت» چند سالی است که در ادبیات سیاسی جامعه ما رواج پیدا کرده است؛ این مفهوم که بیشتر جنبه تخریبی داشت و به وجوه ناپیدای زندگی سیاسی و اقتصادی اشاره می‌کرد، تقریباً در میان همه جناح‌های سیاسی مورد استفاده قرار گرفت. آقای وحیدیان در این مقاله تلاش می‌کند تا از منظری شناخت‌شناسانه به واکاوی این مفهوم